

تأثیر وضعیت اقتصادی بر سبک تفکر جنایی کودکان و نوجوانان در مشهد

سید مهدی سیدزاده ثانی^۱

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی،

دانشکده حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

سیده زینب حسینی^۲

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

سید حسین حسینی^۳

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی،

دانشکده حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی بر سبک تفکر جنایی کودکان و نوجوانان هشت تا شانزده ساله در مشهد است. تعداد افراد نمونه در این پژوهش ۵۱۵ نفر بود که در نمونه‌گیری ۲۳۱ نفر کودک کار به دلیل نبود آمار دقیقی از آنان و وجود آمار مخفی در این قشر از روش گلوله‌برفی و در ۲۸۴ نفر کودک عادی به دلیل وجود شرایط کرونایی در کشور از روش دسترس استفاده شده است. گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه انجام شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و فرضیه‌های پژوهش از طریق آزمون آنوا سنجیده شده‌اند. به‌عنوان

نوع مقاله: پژوهشی

۱- نویسنده مسئول: seidzadeh@um.ac.ir

2- zeinab.hosseini2015@ gmail.com

3- shosseini@um.ac.ir

DOI: 10.22067/LOWECON.2022.41829

نتیجه‌گیری می‌توان اذعان داشت با توجه به داده‌های به دست آمده در این پژوهش کودکان با وضع اقتصادی خیلی ضعیف بیش جنایی قوی‌تری در سبک دلجویی، انفصال، جهت‌گیری قدرت، احساساتی، عدم انسجام دارند و در سبک‌های راحت‌طلبی شناختی، خوش‌بینی افراطی و استحقاق وضعیت اقتصادی تأثیری بر سبک تفکر جنایی نداشته است. بر اساس نظریه جرم‌شناسی مارکسیستی طبقه‌بندی‌های طبقاتی، بی‌عدالتی اجتماعی و احساس بیگانگی در جامعه فرد را در معرض ارتکاب جرم قرار می‌دهد؛ در نهایت می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که وضعیت اقتصادی در قدرت گرفتن برخی سبک‌های تفکر جنایی در کودکان و نوجوانان تأثیر دارد و زندگی در فقر مطلق تفکر جنایی در آن‌ها را تقویت کرده است.

کلیدواژه‌ها: استحقاق، خوش‌بینی افراطی، سبک تفکر جنایی، عدم انسجام، وضعیت اقتصادی.

۱- مقدمه

بزهکاری یا پدیده مجرمانه عارضه‌ای است که سال‌هاست در طول تاریخ، جوامع بشری را تهدید کرده است و امنیت و سلامت جامعه را به مخاطره انداخته است. به خاطر همین مسئله حکومت‌ها همواره در تلاش بوده‌اند تا علل بزهکاری را بیابند و بدین ترتیب موجب کاهش نرخ بزهکاری شوند. این سؤال که چرا فقط عده‌ای مرتکب جرم می‌شوند و عده‌ای دیگر با وجود فشارهای زندگی و عوامل مؤثر دست به بزهکاری نمی‌زنند، سؤالی است که سال‌هاست ذهن محققین علوم جنایی را به خود درگیر کرده است. در این زمینه دو ویژگی مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است که عبارتند از: اول شخصیت و دوم باورهای غلط نهفته در مجرمان یا همان تفکر جنایی^۱ (Abdi and Salimi, 2014:83).

بسیاری از روانشناسان علل رفتار جنایی را بر حسب نقص شخصیت مجرم توجیه می‌کنند. نظریه شخصیت مجرمانه اولین بار توسط ژان پیتابل مطرح شد (Javanmard, 2012: 44). آیسنک روانشناس معروف نیز ترکیبی از عوامل شخصیتی و محیطی را از علل رفتار مجرمانه می‌پندارد. تحقیقات مختلف نشان می‌دهد مجرمان دارای اختلالات روانی و شخصیتی خاص بوده و اغلب دارای باورهای غیرمنطقی می‌باشند (Suri and Daneshmand, 2018: 99). از دیگر عوامل مهم در بررسی رفتار مجرمانه تفکر جنایی است. تفکر جنایی عبارت است از باورهای غلط نهفته در

1 Criminal thinking

شخص مجرم، که باعث میل به ارتکاب جرم بر اساس لذت‌جویی شخصی او می‌گردد. در واقع بیشتر تئوری‌هایی که در زمینه رفتار جنایی بیان شده‌اند، بر این باورند که نگرش‌های مجرمانه علت اصلی بروز و حفظ رفتار مجرمانه هستند (Shahrokht and Ahi, 2015: 87). مطالعات تجربی رفتار جنایی به‌طور مداوم نشان می‌دهد که سبک تفکر کیفری^۱ (نگرش کیفری) یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های درگیر شدن در فعالیت‌های جنایی است (Boduszek, 2014: 32). اندروز و بنتا^۲ (۲۰۱۰) تفکر کیفری را یکی از چهار نیاز بزرگ جنایی و یکی از مستحکم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تکرار جنایات توصیف کرده‌اند؛ در نتیجه تلاش‌های فزاینده‌ای در سال‌های اخیر برای اندازه‌گیری تفکر جنایی و تغییر دادن تفکر کیفری بین زندانیان صورت گرفته است.

برداشت اولیه از تفکر جنایی توسط سایکس و ماتزا^۳ (۱۹۵۷) صورت گرفته است که الگوهای فکری نوجوانان را مورد مطالعه قرار داده و این نظریه را مطرح کردند که متخلفان از تفکر مجرمانه استفاده می‌کنند تا تناقضات شناختی تولید شده را هنگامی که خلاف معیارهای اخلاقی خود عمل می‌کنند کاهش دهند (Disabato et al, 2015: 459). آنچه که بین همه مجرمان مشترک است، وجود تحریف‌های شناختی است (Samenow, 1984: 253). وجود این تحریف‌های شناختی در افراد مجرم، قبل از انجام عمل مجرمانه موجب تسهیل رفتار مجرمانه می‌گردد؛ به‌طوری که فرد بیشتر خود را قربانی نشان می‌دهد تا فردی که باید مسئولیت خود را بپذیرد. این تحریف‌های شناختی اغلب به‌عنوان سبک تفکر جنایی معرفی می‌شوند. این نظریه‌ها بر این فرض هستند که تفکر جنایی مقدم بر رفتار جنایی است؛ در نتیجه رابطه‌ای بین رفتار جنایی و تفکر جنایی وجود دارد (Mirhashemi et al, 2017: 122). یوکلسون و سامنو^۴ (۱۹۷۶) بر اساس سال‌ها کار با افراد درگیر در رفتار مجرمانه ۵۲ خطای تفکر جنایی مشخص کردند و نتیجه گرفتند که برای شروع تغییر در رفتارهای جنایی، ابتدا باید الگوهای تفکر ناسازگارانه افراد را تغییر داد (Mandracchia, 452, Williams, 2020: 89).

والترز (۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳) پس از کار یوکلسون و سامنو، آنچه را که مشهودترین

- 1 Criminal thinking style
- 2 Andrews and Benta
- 3 Sykes and Matza
- 4 Yukelson and Samno

الگوی تفکر جنایی شده است، توسعه داد. والترز (۱۹۹۰) معتقد است که رفتار جنایی ناشی از الگوهای شناختی است. با وجود انتقاداتی که والترز به کار یوکلسون و سامنو داشت، در سال ۱۹۹۰ مفهوم سازی خود را از تفکر کیفری پایه گذاری کرد. طبق نظریه والترز علت رفتار مجرمانه، موقعیت ها نیستند؛ هر چند که انتخاب های افراد را محدود می کنند. در نتیجه این محدودیت ها، افراد انتخاب های مختلفی می کنند و هر انتخابی پیامدی دارد. در این میان افراد برای توجیه تصمیم- هایشان شناخت هایی می آفرینند. سرانجام انواع شناخت های تحریف شده تفکر جنایی ایجاد می- کنند. همچنین والترز و وایت^۱ (۱۹۸۹) سیستمی از هشت الگوی تفکر را به دست آوردند. این سبک های تفکر متعاقباً برچسب گذاری شده اند به عنوان دلجویی^۲ (تمرکز بر بی عدالتی اجتماعی توسط فرد و توجیه رفتار نقض کننده هنجار)، انفصال^۳ (توانایی خلاص شدن از آزارهای روان شناختی رفتار جنایی همانند اضطراب)، استحقاق^۴ (نگرش مالکیت و توجیه خاص)، جهت- گیری قدرت^۵ (اقدام تهاجمی برای کنترل یا اداره دیگران)، احساساتی بودن^۶ (تلاش برای توجیه اقدامات مجرمانه گذشته با مشارکت در رفتارهای به ظاهر خیرخواهانه)، خوش بینی افراطی^۷ (اعتقادی قوی مبنی بر اینکه شخص از عواقب منفی رفتارهای جنایتکارانه دور خواهد بود)، راحت طلبی شناختی^۸ (حل مشکلات به ساده ترین روش ممکن) و عدم انسجام^۹ (اختلال تفکری که منجر منجر به ایجاد مشکل برای انجام اهداف خوب و تأدیب نفس می شود. (Walters, 1995: 440; Gonsalves, 2009: 748).

با توجه به اینکه سبک تفکر بر رفتار افراد تأثیر بسزایی دارد، بر آن شدیم که در این پژوهش سبک تفکر جنایی را در کودکان و نوجوانان که قشر وسیعی از جامعه را تشکیل می دهند سنجیده و تأثیر وضعیت اقتصادی بر سبک تفکر آنها را مورد سنجش قرار دهیم. از میان کودکانی که در

1 Walters and White

2 Mollification

3 Cut off

4 Entitlement

5 Power orientation

6 Sentimentality

7 Super optimism

8 Cognitive Indolence

9 Discontinuity

جامعه وجود دارند، عده‌ای از این کودکان و نوجوانان مشغول به کار هستند. این در حالی است که طبق ماده ۷۹ قانون کار کشور، کار کودکان افراد زیر ۱۵ سال ممنوع و طبق ماده ۸۰ همین قانون، کار کودکان بین ۱۵ تا ۱۸ ساله تحت شرایط خاص امکان‌پذیر است. آمارهای رسمی کودکان کار در ایران را بیشتر از ۹۰۰ هزار نفر اعلام می‌کنند، اما آمار غیررسمی گویای رقم خیلی بالاتری است (Gholamhosseinzadeh, 2022). بنا به اظهارات سیدحسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران یکی از علل زمینه‌ساز کار کودکان، فقر اقتصادی است. همچنین بنا به گفته ایشان اگر کودکان را صرفاً از خیابان جمع کنیم، در نهایت کار کودکان زیرزمینی شده و آن‌ها به کارگاه‌های زیرزمینی روی می‌آورند. این در حالی است که خیابان حتی از خیلی کارگاه‌های زیرزمینی امن‌تر است؛ چراکه حداقل نظارت عمومی در خیابان وجود دارد (Samiei, 2020). اهمیت بررسی کودکان کار و سبک تفکر جنایی در آنان وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم عده‌ای از این کودکان به تکدی‌گری، سرقت و فحشا می‌پردازند و در معرض انواع بزه دیدگی و بزهکاری قرار می‌گیرند. از نزدیک شاهد جرائمی مثل کیف‌چاپی، فروش مواد مخدر، خشونت و ... هستند (Tulayi et al, 2009: 330). اعتیاد، افسردگی، خودزنی، خودکشی، آزارهای جنسی، خشونت کنترل نشده و... همگی آسیب‌هایی هستند که کودکان کار را تهدید می‌کنند (Gholamhosseinzadeh, 2021). از آنجا که حذف کودکان کار ایده‌ای آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسد و صرفاً بحث سازماندهی و یادگیری مهارت در آن‌ها مطرح است و با توجه به در معرض بزه دیدگی و بزهکاری قرار گرفتن آنان، تحلیل سبک تفکر جنایی در آنان با توجه به این که از وضعیت اقتصادی ضعیفی برخوردار هستند، به‌عنوان عنصر مداخله‌گر در این زمینه راهگشا است. هدف از این تحقیق تبیین این موضوع است که آیا در کودکان با وضعیت اقتصادی مختلف، سبک تفکر جنایی متفاوت است یا خیر و اینکه ارتباط اقتصاد با سبک تفکر جنایی چیست؟ پیرو این موضوع ابتدا به بررسی مبانی نظری پژوهش پرداخته، در مرحله بعد در مورد پیشینه پژوهش و روش تحقیق بحث خواهیم کرد و در مرحله آخر به بیان یافته‌ها و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

بنا بر نظریه والترز هشت سبک تفکر جنایی وجود دارد. اولین سبک، سبک دلجویی است. دلجویی عبارت است از توجیه رفتار نقض کننده هنجار توسط فرد با تمرکز بر بی‌عدالتی اجتماعی. دومین سبک، سبک استحقاق نامیده می‌شود. استحقاق در اصطلاح به معنی گرایش به برتری و مالکیت است. افرادی که این سبک تفکر در آن‌ها قوی باشد فکر می‌کنند می‌توانند به خاطر منافع شخصی قواعد اجتماعی را زیر پا بگذارند. خود را خاص تلقی می‌کنند و انتظار دارند دیگران برای آن‌ها ملاحظات ویژه‌ای قائل شوند. در علم روانشناسی سه نوع طحوااره استحقاق وجود دارد؛ که یکی از آن‌ها به طحوااره استحقاق لوس معروف است. در این شکل از استحقاق فرد پرتوقع و کنترل‌گر است و دوست دارد همه چیز مطابق میل او باشد. قراردادهای اجتماعی برای او ارزشی نداشته، به راحتی این قواعد را زیر پا گذاشته و خود را بالاتر از قانون می‌پندارد. این افراد برتری‌جو هستند و توجهی به خواسته‌های دیگران ندارند. یکی از واضح‌ترین علل به وجود آمدن استحقاق، ضعف در محدودیت‌گذاری و یا به عبارتی آزادگذاری افراطی توسط والدین است (Akbari, 2021). نظریه کنترل اجتماعی غیررسمی^۱ که مبتنی بر درجه‌بندی سنی است را روبرت سمپسون و جان لوب^۲، با هدف تبیین فرایند رشد مجرمانه و انحرافی توسعه دادند. پیش فرض بنیادین این نظریه این است که بزهکاری و انحراف یک پدیده طبیعی است. انسان‌ها ناخودآگاه تمایل به پیروی از طبیعت منحرفشان دارند؛ در نتیجه باید به هر وسیله ممکن کنترل شوند. در سنین پایین ابزار کنترل خانواده و مدرسه هستند. هرچه پیوند بین والدین و کودک عمیق‌تر باشد و به ضوابط مدرسه پایبندتر باشد، احتمال بزهکاری در آینده کمتر است (Sadati, 2016: 70). با توجه به اینکه کودکان تأثیرپذیری بیشتری دارند می‌توان با تغییر ذهنیت آنان نسبت به قواعد اجتماعی و تلاش برای پذیرش این قواعد توسط آنان از شکل‌گیری تفکرات جنایی در آنان جلوگیری به عمل آورد و از بزهکاری احتمالی آنان

1 Informal social control theory

2 Robert Simpson and John Loeb

جلوگیری به عمل آورد.

سبک بعدی خوش بینی افراطی نام دارد. در علم روانشناسی خوش بینی عبارت است از نگرش مثبت فرد به جهان پیرامون خود. مطابق با دیدگاه سلیگمن^۱ خوش بینی یک نوع سبک تفسیری یا تبیینی است که افراد از آن برای توجیه موفقیت‌ها و شکست‌های خود استفاده می‌کنند. درست است که خوش بینی زیاد مزایای بی‌شماری را برای ما به ارمغان می‌آورد، اما ممکن است آمادگی ما را برای رویارویی با مسائل و رویدادهای واقعی در زندگی کاهش دهد. در نظریه جرم‌شناسی شناختی، انسان در رفتارهای خود تابع نظم علی است و از محرک‌ها تأثیر می‌پذیرد؛ ولی باین همه آن محرک از صافی ذهن شناخت اجتماعی او می‌گذرد. بنا بر این نظریه، ریشه برخی از جرم‌ها در باورها و انتظاراتی است که فرد در ذهن خود دارد. در توضیح این سخن می‌توان از نظریه شناختی آلبرت ایس^۲ بهره گرفت. وی شخصیت انسان را یک A.B.C می‌داند. A مرحله پدید آمدن رخداد، B مرحله تفسیر و برداشت فرد از رخداد و C مرحله احساس و تصمیمی است که در فرد شکل می‌گیرد و در پی آن رفتاری است که انجام می‌دهد. در مرحله C که مرحله تفسیر و برداشت است؛ انتظارات، تفکرات و باورها می‌توانند واقع‌بینانه یا غیرمنطقی و مبالغه‌آمیز باشند. اگر تفکرات و باورها غیر منطقی باشند احتمال ارتکاب جرم بسیار بالا است (Ghomashi, 2014: 45)؛ در نتیجه با ریشه کن کردن تفکرات جنایی در کودکان می‌توان احتمال ارتکاب جرم را پایین آورد. سبک انفصال نیز عبارت است از بین بردن آزارهای روان‌شناختی مثل ترس و اضطراب در هنگام انجام عمل منحرفانه. در توضیح سبک جهت‌گیری قدرت می‌توان بیان داشت اقدامات تهاجمی برای کنترل و اداره دیگران، جهت‌گیری قدرت نامیده می‌شود. سبک راحت‌طلبی شناختی مبتنی بر حل مشکلات به ساده‌ترین روش ممکن و پذیرش آسان خواسته‌های شخصی است. سبک عدم انسجام مقیاس ناپیوستگی، ناسازگاری در تفکر و رفتار را ارزیابی می‌کند. در انتها سبک احساساتی بودن نیز تلاش برای توجیه اقدامات مجرمانه گذشته با مشارکت در رفتارهای به‌ظاهر خیرخواهانه است (Gonsalves, 2009: 748).

1 Sligman

2 Albert Ellis

اگر بخواهیم رابطه‌ای میان ایجاد تفکر جنایی و وضعیت اقتصادی پیدا کنیم می‌توانیم به نظریه فشار مرتون اشاره کنیم نظریه فشار علت جرم را گسست اجتماعی و وجود نوعی فشار اجتماعی در درون جامعه می‌داند. طبق این نظریه وجود فرصت‌های محدود شده یا فروبسته در جامعه سبب می‌شود که برخی افراد برای به دست آوردن مزایای مطلوب اجتماعی در طلب وسایل و شیوه‌های جایگزین از جمله راه‌های مجرمانه بر آیند. بنا به نظریه فشار مرتون افراد ناتوان همان چیزهایی را می‌خواهند که افراد توانمند می‌خواهند، اما زمانی که می‌بینند از طرق مشروع به خواسته‌هایشان نمی‌رسند، دست به افعال غیرقانونی می‌زنند (Moazami, 2009: 171). این نظریه ادعان دارد که می‌توان در قالب‌های گوناگون مانند برنامه‌های آموزشی و اشتغال‌زایی برای افراد فوق‌العاده محروم فشار اجتماعی را کاهش داد و در نتیجه از میزان جرم کاست (Salimi, 2014: 144). فشار اقتصادی بر خانواده‌های ضعیف و بی‌بهره بودن آن‌ها از فرصت‌های اجتماعی ممکن است زمینه ارتکاب جرم را فراهم آورد. بدین نحو که زندگی کودکان و نوجوانان در این خانواده‌ها ممکن است باعث تقویت سبک تفکر جنایی در آنان گردیده به گونه‌ای که از رسیدن به خواسته‌ها از طرق قانونی ناامید گشته و به سمت وسوی جرم گرایش پیدا کنند.

نظریه مرتبط بعدی نظریه جرم‌شناسی مارکسیستی است. این نظریه جرم را به نوعی پیامد و بازتاب تقسیم‌بندی‌های عمده طبقاتی در درون جامعه می‌داند و علت‌های اساسی جرم را در نابرابری‌های نهادینه، بهره‌کشی و احساس بیگانگی، حاشیه‌نشینی طبقه کارگر و جرم‌انگاری اعمال آنان می‌داند. بر همین اساس این نظریه کانون تحلیل خود را بر دو پدیده قدرت و نابرابری متمرکز نموده؛ به ویژه در مواردی که آن دو پدیده، خود را در چهره فرایندهایی جلوه‌گر می‌سازد که از یک سو مرتبط با طبقات اجتماعی است و از سوی دیگر با پدیده توزیع کلی ثروت اجتماعی پیوند دارد (Salimi, 2014: 213). آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد این است که خانواده‌هایی با وضعیت اقتصادی ضعیف به علت این احساس بیگانگی و احساس مظلوم واقع شدن در برابر طبقات مرفه ممکن است سبک تفکر جنایی در آنان تقویت گردیده و زمینه بزهکاری در آنان تقویت شود.

۲-۲- پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام شده در خارج کشور را نیز می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. یک عده از

پژوهشگران به بررسی سبک تفکر جنایی بر اساس نوع جرم پرداختند. از جمله می‌توان از پژوهش‌های مک کوی و همکاران (۲۰۰۶)، مگریا و همکاران (۲۰۱۵)، پالمر (۲۰۰۴)، فیکس (۲۰۱۵) و راگرت و همکاران (۲۰۱۲) نام برد؛ که همگی این فرضیه را تأیید کردند که بر اساس نوع جرم سبک تفکر جنایی متفاوت است. عده دیگر از پژوهشگران به بررسی رابطه بین جنسیت و سبک تفکر جنایی پرداختند. از جمله پژوهش‌های بندا (۲۰۰۵ و ۲۰۰۹) و والترز (۲۰۰۲) که به این نتیجه رسیدند که بر اساس جنسیت سبک تفکر جنایی متفاوت است. دسته سوم از پژوهشگران به بررسی رابطه هوش هیجانی و تفکر جنایی پرداخته‌اند. پژوهش مگریا^۱ (۲۰۱۳) و فیکس (۲۰۱۵) از این دسته هستند. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که به‌طور طبیعی یک ارتباط اساسی بین روان‌پریشی و تفکر جنایی وجود دارد.

دسته چهارم را پژوهشگرانی تشکیل می‌دهند که به بررسی سبک تفکر جنایی بین مجرمان پرداخته‌اند و در این میان به این نتیجه رسیده‌اند که هر چه سن مجرم پایین‌تر باشد نگرش جنایی در او عمیق‌تر است. همچنین از دیگر نتایجی که این پژوهشگران به آن دست پیدا کردند این بود که هر چه مجرم سابقه کیفری بیشتری داشته باشد سطح تفکر جنایی در او بالاتر است. از نمونه‌های این پژوهش می‌توان از پژوهشی که در سال ۲۰۰۸ در بین زندانیان انگلیسی توسط والترز و اسکلاچ^۲ انجام شد و پژوهش پالمر و هالین^۳ (۲۰۰۳) و والترز^۴ (۱۹۹۰) نام برد. در تمامی تحقیقات ذکر شده در بالا جامعه آماری مورد پژوهش از میان افراد بزرگسال انتخاب شده و هیچ‌کدام از این تحقیقات به بررسی کودکان پرداخته‌اند؛ در حالی که کودکان نقش مهمی را در آینده کشور بازی خواهند کرد. به‌علاوه هیچ‌کدام بر اساس متغیر وضعیت اقتصادی سبک تفکر جنایی را نسنجیده‌اند.

در زمینه سبک تفکر جنایی در ایران نیز می‌توان اذعان داشت در این زمینه تحقیقات اندکی انجام شده است. میرهاشمی، زارعی و نظری (۱۳۹۶) به بررسی تفکر جنایی بر اساس متغیرهای شخصی و کیفری در مجرمان پرداختند. آن‌ها دریافته‌اند که سه متغیر سن، رتبه تولد و تعداد

1 Megreya

2 Schlach

3 Palmer and Halin

4 Walters

محکومیت‌ها با متغیر تفکر جنایی همبستگی معنادار دارند ($p < 0/05$). در بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی مجرم با تفکر جنایی، نتایج حاکی از آن بود که بین ویژگی شخصیتی عصیت و برون-گرایی با تفکر جنایی، رابطه همبستگی مثبت، بین گشودگی و تفکر جنایی عدم رابطه و بین ویژگی شخصیتی وجدانی بودن، خوشایندی و تفکر جنایی توجیه جرم و بی تفاوتی رابطه منفی وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ویژگی شخصیتی عصیت بهترین پیش‌بینی کننده تفکر جنایی است (Abdi and Salimi, 2014: 83). در مقایسه سبک‌های تفکر جنایی بین مجرمان وابسته به مواد و ناوابسته به مواد، در میانگین نمره‌های مجرمان وابسته به مواد و ناوابسته به مواد در دو مؤلفه جهت‌گیری قدرت و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم تفاوت معنادار وجود دارد و میانگین نمرات مجرمان وابسته به مواد بالاتر بود. همچنین به این نتیجه رسیدند که تفکر جنایی بر رفتار فرد اثر می‌گذارد (Mirhashemi, 2017: 59).

انتقادات وارد شده به تحقیقات خارج از کشور در تحقیقات داخلی نیز به چشم می‌خورد. تحقیقات ذکر شده از متغیر اقتصادی به عنوان متغیری قابل بحث غافل شده‌اند. با توجه به اینکه تأثیر سن بر تفکر جنایی در تحقیقات میرهاشمی و همکاران تأیید شده است، بررسی سبک تفکر جنایی در کودکان و نوجوانان می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. همچنین جامعه آماری استفاده شده در این پژوهش ۵۱۵ نفر است که نسبت به سایر پژوهش‌های ذکر شده در بالا آمار نسبتاً بالایی است. این پژوهش درصدد بررسی سبک تفکر جنایی در کودکان و نوجوانان در مشهد است. همچنین در ادامه از کودکان کار به عنوان عنصر مداخله‌گر استفاده خواهد شد و به بررسی این نکته خواهیم پرداخت که آیا کودک کار بودن و وضعیت اقتصادی ضعیف آنان در سبک تفکر جنایی آنان نسبت به کودکان عادی تأثیر می‌گذارد و سبک تفکر جنایی در آنان را تقویت می‌کند یا تأثیری نداشته است. همچنین در گذار از این پژوهش می‌خواهیم به این نکته برسیم که آیا بین اقتصاد و پدیده جرم ارتباطی وجود دارد یا خیر.

۳- روش تحقیق

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات از کتاب، ترجمه کتاب، مقالات انگلیسی و فارسی، وبسایت و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری ۵۱۵ نفر شامل ۲۳۱

نفر کودک کار و ۲۸۴ نفر کودک عادی است. روش نمونه‌گیری به کار رفته در این پژوهش در کودکان کار روش گلوله‌برفی و در کودکان عادی روش در دسترس است. علت استفاده از روش گلوله‌برفی در کودکان کار نبود آمار دقیقی از این کودکان و وجود آمار مخفی در آنان است. سن افراد نمونه بین ۸ تا ۱۶ سال انتخاب شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است؛ که پرسش‌های آن بر اساس پرسش‌های پرسشنامه روان‌شناختی سبک تفکر جنایی گلن دی والترز^۱ (۱۹۹۵) و پرسشنامه تفکر جنایی نایت^۲ و همکاران (۲۰۰۲) طراحی شده است. به دو دلیل استفاده مستقیم از این پرسشنامه‌ها مقدور نبود؛ اول کثرت سؤالات پرسشنامه والترز و دوم قابل فهم نبودن این پرسش‌ها برای کودکان؛ چراکه برای بزرگسالان طراحی شده بودند. در نتیجه پژوهشگر اقدام به ترجمه پرسشنامه نایت نموده و همچنین از ترجمه پرسشنامه والترز استفاده نموده و متناسب با فهم کودکان پرسشنامه طراحی نمود.

پرسشنامه طراحی شده شامل ۳۶ گویه و ۸ مؤلفه است. این هشت مؤلفه عبارتند از؛ دلجویی، انفصال، استحقاق، جهت‌گیری قدرت، احساساتی بودن، خوش‌بینی افراطی، راحت‌طلبی شناختی و عدم انسجام که از پرسشنامه والترز گرفته شده است. برای هر گویه بین چهار تا شش سؤال طراحی شده است. همچنین یکسری سؤالات مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی نظیر؛ جنسیت، سن و وضعیت اقتصادی خانواده‌های افراد نمونه در پرسشنامه وجود دارد. سؤالات پرسشنامه از نوع سؤالات بسته، باز و دو وجهی است. پرسشنامه‌ها توسط افراد نمونه پر شد. پاسخ‌ها از طیف لیکرت بودند. در نهایت نمرات سؤالات مربوط به هر سبک با هم جمع شدند. با توجه به ارزش‌گذاری انجام شده در هر سبک، بالاترین نمره و کمترین نمره در هر سبک تفکر به دست آمد. بالاترین نمره در سبک تفکر جنایی دلجویی و احساساتی بودن ۲۴ و پایین‌ترین نمره ۱، در سبک تفکر انفصال، استحقاق، جهت‌گیری قدرت، خوش‌بینی افراطی، راحت‌طلبی شناختی و عدم انسجام بالاترین نمره ۱۶ و کمترین نمره ۱ است. بر اساس بالاترین و پایین‌ترین نمره دسته‌بندی انجام شد. در سبک‌هایی که بالاترین نمره ۱۶ بود، اعداد بین ۱۳ تا ۱۶ در دسته زیاد، اعداد بین ۹ تا ۱۲ در دسته متوسط، اعداد بین ۵ تا ۸ در دسته کم و اعداد بین ۱ تا ۴ در دسته خیلی کم قرار گرفتند. در

1 Glenn D. Walters

2 Knight

سبک‌هایی که بالاترین نمره ۲۴ بود، اعداد بین ۱۹ تا ۲۴ در دسته زیاد، اعداد بین ۱۳ تا ۱۸ در دسته متوسط، اعداد بین ۷ تا ۱۲ در دسته کم و اعداد بین ۱ تا ۶ در دسته خیلی کم قرار گرفتند. محتوای این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه والترز و نایت بوده و در این پرسشنامه‌ها روایی آن به اثبات رسیده است. فرمت نهایی این پرسشنامه به تأیید صاحب‌نظران اقتصاد و حقوق کیفری و جرم‌شناسی رسیده و روایی آن تأیید گردیده است. همچنین پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ سنجیده شد که معادل ۰/۸۵ می‌باشد، که از پایایی بالایی برخوردار است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های جمعیت‌شناختی

یافته‌های جمعیت‌شناختی در این پژوهش عبارتند از جنسیت، سن و وضعیت اقتصادی که در ادامه در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱- یافته‌های جمعیت‌شناختی

جنسیت	دختر		پسر		بدون پاسخ
	۳۳/۳%		۶۵%		۱/۷%
سن	هشت تا ده سال	یازده تا سیزده سال	چهارده تا شانزده سال	بدون پاسخ	
	۱۹/۶%	۳۹/۴%	۳۸/۸%	۲/۱%	
وضع اقتصادی	خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	بدون پاسخ	
	۶%	۵۶/۳%	۱۸/۸%	۱۸/۸%	

۴-۲- یافته‌های اصلی پژوهش

۴-۲-۱- مقایسه سبک‌های تفکر جنایی بر اساس وضعیت اقتصادی: اعداد و ارقام مربوط به هشت سبک تفکر جنایی در بین وضعیت‌های اقتصادی مختلف در جداول ۲ تا ۹ مشاهده می‌گردد. همان‌طور که در جدول قابل مشاهده است با توجه به میانگین‌ها در سبک‌های دلجویی، انفصال، جهت‌گیری قدرت، احساساتی بودن و عدم‌انجام به این نتیجه خواهیم رسید که در این سبک‌ها هرچه وضعیت اقتصادی بهتر می‌شود، نمره میانگین این سبک‌ها در افراد افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۲- مقایسه سبک‌های تفکر جنایی دلجویی، انفصال، جهت‌گیری قدرت، احساساتی و عدم انسجام بر اساس

وضعیت اقتصادی

وضعیت اقتصادی	سبک تفکر جنایی دلجویی				
	میانگین	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
وضعیت اقتصادی	۲/۷۴	۴	۱۲	۱۱	۰
	۱۴/۸٪	۴۴/۴٪	۴۰/۷٪	۰٪	خیلی ضعیف
	۲/۶۶	۳۶	۱۳۹	۱۳۱	۰
وضعیت اقتصادی	۱۳٪	۳۹/۵٪	۴۷/۵٪	۰٪	ضعیف
	۲/۵۶	۹	۳۶	۵۱	۰
	۹/۴٪	۳۷/۵٪	۵۳/۱٪	۰٪	متوسط
وضعیت اقتصادی	سبک تفکر جنایی انفصال				
	میانگین	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
وضعیت اقتصادی	۲/۴۱	۰	۱۳	۱۵	۱
	۰٪	۴۴/۸٪	۵۱/۷٪	۳/۴٪	خیلی ضعیف
	۲/۳۵	۱۰	۱۳۱	۱۴۵	۲۴
وضعیت اقتصادی	۲/۳۶٪	۳۶/۱٪	۵۱/۸٪	۸/۶٪	ضعیف
	۲/۳۱	۲	۳۵	۴۸	۱۰
	۱/۲٪	۳۶/۸٪	۵۰/۵٪	۱۰/۵٪	متوسط
وضعیت اقتصادی	سبک تفکر جنایی جهت‌گیری قدرت				
	میانگین	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
وضعیت اقتصادی	۲/۱۳	۱	۵	۲۲	۳
	۳/۲٪	۱۶/۱٪	۷۱٪	۹/۷٪	خیلی ضعیف
	۲/۶	۳	۵۹	۱۵۸	۴۸
وضعیت اقتصادی	۱/۱٪	۲۲٪	۵۹٪	۱۷/۹٪	ضعیف
	۱/۸۷	۱	۱۷	۴۶	۳۱
	۱/۱٪	۱۷/۹٪	۴۸/۴٪	۳۲/۶٪	متوسط
وضعیت اقتصادی	سبک تفکر جنایی احساساتی				
	میانگین	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
وضعیت اقتصادی	۳/۶۹	۱۸	۸	۰	۰
	۶۹/۲٪	۳۰/۸٪	۰٪	۰٪	خیلی ضعیف
	۳/۵۷	۱۶۳	۹۹	۹	۰
وضعیت اقتصادی	۶۰/۱٪	۳۶/۵٪	۲/۳٪	۴/۲٪	۰٪
	۳/۵۴	۵۵	۳۶	۴	۰
	۵۷/۹٪	۳۷/۹٪	۴۸/۴٪	۰٪	متوسط
وضعیت اقتصادی	سبک تفکر جنایی عدم انسجام				
	میانگین	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
وضعیت اقتصادی	۲/۲۷	۳	۶	۱۷	۴
	٪	٪	۲۰٪	۵۶/۷٪	۱۳/۳٪
	۲/۱۴	۵	۸۰	۱۳۰	۵۲
وضعیت اقتصادی	٪	٪	۳۰٪	۴۸/۷٪	۱۹/۵٪
	۲/۹	۰	۲۹	۴۴	۲۱
	۰٪	۳۰/۹٪	۴۶/۸٪	۲۲/۳٪	متوسط

و اما در ادامه به بررسی سبک‌های استحقاق، خوش‌بینی افراطی و راحت‌طلبی شناختی خواهیم پرداخت. همان‌طور که از داده‌های جدول شماره ۳ پیداست، در سه سبک ذکر شده وضعیت اقتصادی تأثیری بر ازدیاد این سبک نداشته است. به‌طور کلی سبک تفکر جنایی استحقاق با میانگین ۱/۸۷ در قشر متوسط دارای پایین‌ترین نمره و سبک احساساتی با میانگین ۳/۶۹ در قشر خیلی ضعیف بالاترین نمره را به خود اختصاص داده است.

جدول ۳- مقایسه سبک‌های تفکر جنایی استحقاق، خوش‌بینی افراطی و راحت‌طلبی بر اساس وضعیت اقتصادی

وضعیت اقتصادی	سبک تفکر جنایی استحقاق				
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	میانگین
ضعیف اقتصادی	۱۲	۱۴	۳	۰	۱/۶۹
	۴۱/۴٪	۴۸/۳٪	۱۰/۳٪	۰٪	
	۸۹	۱۴۶	۳۲	۲	۱/۸۰
ضعیف	۳۳/۱٪	۵۴/۳٪	۱۱/۹٪	۰/۷٪	
	۳۷	۴۳	۱۲	۲	۱/۷۸
	۳۹/۴٪	۴۵/۷٪	۱۲/۸٪	۲/۱٪	
وضعیت اقتصادی	سبک تفکر جنایی خوش‌بینی افراطی				
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	میانگین
ضعیف اقتصادی	۲	۱۳	۱۰	۱	۲/۳۸
	۷/۷٪	۵۰٪	۳۸/۵٪	۳/۸٪	
	۱۰	۱۵۱	۹۱	۱۴	۲/۴۱
ضعیف	۳/۸٪	۵۶/۸٪	۳۴/۲٪	۵/۳٪	
	۴	۶۰	۲۸	۰	۲/۳۶
	۴/۳٪	۶۵/۲٪	۳۰/۴٪	۰٪	
وضعیت اقتصادی	سبک تفکر جنایی راحت‌طلبی شناختی				
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	میانگین
ضعیف اقتصادی	۲	۱۴	۹	۱	۲/۳۵
	۷/۷٪	۵۳/۸٪	۳۴/۶٪	۳/۸٪	
	۱۳	۱۵۴	۹۷	۸	۲/۳۷
ضعیف	۴/۸٪	۵۶/۶٪	۳۵/۷٪	۲/۹٪	
	۴	۵۸	۳۱	۱	۲/۳۱
	۴/۳٪	۶۱/۷٪	۳۳٪	۱/۱٪	

در این تحقیق از دو جامعه آماری استفاده شده است؛ کودکان کار و کودکان عادی. از آنجا که تصور غالب این است که کودکان کار از کودکان عادی وضعیت اقتصادی ضعیف‌تری دارند کودکان کار را از کودکان عادی جدا کرده و آن‌ها را به‌عنوان عنصر مداخله‌گر استفاده

نمودیم. تقریباً نیمی از جمعیت آماری را کودکان کار تشکیل می‌دهند؛ میانگین سبک‌های تفکر جنایی بر اساس وضعیت اقتصادی در دو گروه نمونه سنجیده شد. میانگین نمره سبک تفکر جنایی در کودکان کار ۱/۹۲ و در کودکان عادی ۱/۹۶ بود. باید خاطر نشان شد که طبق آمار به دست آمده وضعیت اقتصادی کودکان کار از کودکان عادی ضعیف‌تر نبوده و حتی کودکان عادی در وضعیت نابسامان‌تری قرار دارند.

جدول ۴- وضعیت اقتصادی کودکان کار و کودکان عادی

جامعه آماری	وضع اقتصادی خیلی ضعیف	وضع اقتصادی ضعیف	وضع اقتصادی متوسط	بدون پاسخ
کودکان کار	۲/۲	۵۴/۱	۳۲/۹	۱۰/۸
کودکان عادی	۹/۲	۵۸/۱	۷/۴	۲۵/۴

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی بر سبک تفکر جنایی کودکان و نوجوانان در شهر مشهد پرداختیم. تفکر جنایی در اصطلاح عبارت است از باورهای غلط نهفته در شخص مجرم، که باعث میل به ارتکاب جرم بر اساس لذت‌جویی شخصی او می‌گردد. به عبارتی شخصی که مرتکب تکرار جرم می‌گردد، برای قضاوت دیگران یا قانون هیچ ملاحظه‌ای قائل نمی‌شود؛ معیار اخلاقی خود اوست که به رفتار مجرمانه‌اش مشروعیت می‌بخشد (Abdi and Salimi, 2014: 83). در واقع بیشتر تئوری‌هایی که در زمینه رفتار جنایی بیان شده‌اند، بر این باورند که نگرش‌های مجرمانه علت اصلی بروز و حفظ رفتار مجرمانه هستند و فرض می‌کنند که نوع خاصی از تفکر در مجرمان رفتار جنایی را به وجود می‌آورد (Shahrokht and Ahi, 2015: 87). مطالعات تجربی رفتار جنایی به‌طور مداوم نشان می‌دهد که سبک تفکر کیفری (نگرش کیفری) یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های درگیر شدن در فعالیت‌های جنایی است. این پیوند در تحقیقات روانشناسی اجتماعی و جنایی به‌خوبی تثبیت شده است و نشان می‌دهد افرادی که به سمت رفتار مجرمانه گرایش پیدا می‌کنند و افرادی که مفهوم کیفری آن رفتار را درونی کرده‌اند، در معرض خطر بیشتری از شرکت در رفتار مجرمانه هستند (Boduszek, 2014: 30). در ادامه به بررسی و تحلیل یافته‌های پژوهش می‌پردازیم.

۱) تحلیل یافته‌ها بر حسب انواع سبک تفکر جنایی

همان‌طور که در جدول‌ها مشاهده گردید به جز سبک راحت‌طلبی شناختی، خوش‌بینی افراطی و استحقاق در بقیه سبک‌ها از جمله سبک دلجویی، انفصال، عدم انسجام، احساساتی بودن و جهت‌گیری قدرت وضعیت اقتصادی بر تفکر جنایی تأثیر گذاشته است؛ بدین نحو که هر چه وضعیت اقتصادی بهتر می‌شود سبک تفکر جنایی در افراد کاهش پیدا می‌کند. هر چند که تفاوت خیلی اندک است ولی در هر صورت تفاوت وجود دارد. یکی از فرضیه‌های موجود در این پژوهش وجود رابطه بین سبک تفکر جنایی و وضعیت اقتصادی بود که با آزمون آنوا موردسنجش قرار گرفت که در ادامه قابل مشاهده است. با توجه به داده‌های به دست آمده در جدول ۱۱ رابطه معناداری بین سبک تفکر جنایی و وضعیت اقتصادی مشاهده نمی‌گردد.

جدول ۵- آزمون آنوا

سبک تفکر	دلجویی	انفصال	استحقاق	جهت-گیری قدرت	احساساتی بودن	عدم انسجام	خوش‌بینی افراطی	راحت-طلبی	تمامی سبک‌ها
Sig	.۳۸۳	۰/۷۳۵	۰/۶۸۸	۰/۰۴۴	۰/۴۵۵	۰/۵۰۳	۰/۱۴۷	۰/۷۲۳	۰/۶۰۳

۲- تحلیل یافته‌ها بر حسب وضعیت اقتصادی به تفکیک سبک‌های تفکر جنایی

۲-۱- سبک دلجویی

در این سبک هر چه وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر شده، سبک تفکر جنایی قوی‌تر گشته است. اگر این طرز تفکر در کودک یا نوجوان به وجود بیاید که مورد بی‌رحمی و بی‌عدالتی از طرف جامعه قرار گرفته و در جامعه احساس بیگانگی کند، باعث می‌شود که رفتار هنجارشکنانه خود را این‌گونه توجیه عقلانی کند که اگر من این کار را انجام ندهم دیگران انجام می‌دهند و همین مسئله موجب بروز رفتارهای هنجارشکنانه می‌گردد. وضعیت اقتصادی خیلی ضعیف ممکن است این طرز تفکر را در کودک و نوجوان تقویت کند. کودکان و نوجوانان این قشر خود را قربانی بی‌عدالتی جامعه می‌بینند، چرا که در فقر مطلق دست و پا می‌زنند، بنابراین دور از ذهن نیست که تفکر جنایی دلجویی در آن‌ها تقویت گردد.

۲-۲- سبک انفصال

در سبک انفصال نیز فقر بیشتر موجب تفکر جنایی بیشتر گردیده است. کودکی که خود را قربانی بی‌عدالتی اجتماعی ببیند، در این سبک نیز نمره بیشتری کسب کند؛ چراکه راحت‌تر می‌تواند عواملی مثل ترس و اضطراب را در هنگام عمل منحرفانه از خود دور کند و بدین صورت و با این اعمال قصد احقاق حقوق خود را دارد. او ترجیح می‌دهد به جای اینکه با مشکلات دست‌وپنجه نرم کند آن‌ها را کنار بگذارد و از طریق غیرقانونی و نامشروع اهداف خود را دنبال کند.

۲-۳- سبک استحقاق

افرادی که این سبک تفکر در آن‌ها قوی باشد فکر می‌کنند می‌توانند به خاطر منافع شخصی قواعد اجتماعی را زیر پا بگذارند. خود را خاص تلقی می‌کنند و انتظار دارند دیگران برای آن‌ها ملاحظات ویژه‌ای قائل شوند. در سبک استحقاق وضعیت اقتصادی تأثیری بر میزان سبک تفکر جنایی نداشته است. شاید بتوان گفت کودکان و نوجوانان بیشتر خود را محتاج توجه دیگران می‌بینند و سعی می‌کنند با انجام عمل منحرفانه به نوعی توجه بقیه را به خود معطوف کنند؛ در نتیجه شکل‌گیری استحقاق در این قشر می‌تواند نتیجه توجه‌طلبی آن‌ها باشد نه تأثیر وضعیت اقتصادی.

۲-۴- سبک جهت‌گیری قدرت

در این سبک میانگین تفکر جنایی در کودکانی که در وضعیت اقتصادی نابسامانی قرار دارند بیشتر از کودکان دیگر است. این بدان معناست که این کودکان سعی بر کنترل دیگران و اقدامات تهاجمی دارند. این کودکان و نوجوانان در مواقعی که اوضاع تحت کنترلشان نیست، به سرعت عصبانی شده و شروع به پرخاشگری می‌کنند و در مورد مسائل بی‌اهمیت شروع به بحث کردن می‌کنند. زندگی در فقر مطلق ناخودآگاه موجب پرخاشگری می‌گردد چراکه فرد خود را در معرض بی‌عدالتی اجتماعی می‌بیند و نهایتاً سعی می‌کند با اعمال پرخاشگریانه و اعمال زور و اجبار به خواسته‌های خود برسد.

۲-۵- سبک احساساتی بودن

در این سبک نیز در وضعیت اقتصادی خیلی ضعیف میانگین بیشتر است. کودکان و نوجوانان

در این وضعیت اقتصادی این تصور را از خود دارند که در باطن افراد خوبی هستند. آن‌ها به محض انجام عمل هنجارشکنانه به نوعی دچار عذاب وجدان می‌شوند و درصدد جبران برمی‌آیند. به نظر خودشان هیچ‌وقت قصد آسیب زدن به کسی را نداشته‌اند و تنها گاهی اوقات عمل هنجارشکنانه از آن‌ها سر می‌زند. کودکان سرشار از احساسات هستند؛ احساساتی مانند غم، خشم و... بروز این احساسات در آنان با بزرگسالان متفاوت است. شاید بتوان گفت کودکان در این وضعیت اقتصادی بیشتر احساساتی هستند. این مسئله نشان می‌دهد که آنان واقعاً دوست ندارند عمل منحرفانه انجام دهند و این فقر اقتصادی و شرایط نامطلوب اجتماعی است که آن‌ها را به این سمت و سو سوق می‌دهد. این بدان معنی است که با ایجاد شرایط مطلوب و آموزش می‌توان آن‌ها را از انجام عمل منحرفانه دور کرد.

۲-۶- سبک خوش‌بینی افراطی

در این سبک وضعیت اقتصادی تأثیری بر خوش‌بینی افراطی نداشته است. در سبک تفکر جنایی افرادی که خوش‌بینی افراطی در آن‌ها قوی است، اعتقادی قوی مبنی بر این دارند که از عواقب رفتارهای هنجارشکنانه خود به دور خواهند ماند. برای مثال فرد این باور را دارد که در صورت مصرف مواد مخدر امکان ندارد در دام اعتیاد گرفتار شود یا اگر عمل خلاف قانونی از او سر بزند غیرممکن است پلیس بتواند او را دستگیر کند یا در صورت دستگیری محاکمه نمی‌شود و می‌تواند از چنگال قانون بگریزد. این افراد اولین باری که قانون‌شکنی می‌کنند محتاط رفتار می‌کنند؛ اما به مرور زمان بیش‌ازحد به خود مطمئن می‌شوند و متقاعد می‌شوند هر کاری را بخواهند می‌توانند انجام می‌دهند بدون اینکه دستگیر شوند.

۲-۷- سبک راحت‌طلبی شناختی

در این سبک وضعیت اقتصادی بر میزان تفکر جنایی در کودکان و نوجوانان تأثیری نداشته است. راحت‌طلبی شناختی پذیرش آسان خواسته‌های شخصی است. شاید بتوان گفت دلیل وجود راحت‌طلبی شناختی در کودکان و نوجوانان عدم بلوغ فکری و اجتماعی در آنان است. به دلیل این عدم بلوغ آنان خیلی کم به عاقبت اعمالشان می‌اندیشند و به دنبال آسان‌ترین راه برای انجام کارهایشان می‌گردند و این موضوع خیلی ربطی به وضعیت اقتصادی آنان ندارد.

۲-۸- سبک عدم انسجام

در این سبک وضعیت اقتصادی بر میزان تفکر جنایی تأثیر گذاشته است، به گونه‌ای که هرچه وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر شده میانگین تفکر جنایی در آنان افزایش پیدا کرده است. همان‌طور که در بالا ذکر شد کودکان به بلوغ فکری و اجتماعی نرسیده‌اند، در نتیجه خیلی نمی‌توانند بین تفکر و رفتار خود پیوستگی ایجاد کنند. به دلیل همین مسئله کاری را که شروع می‌کنند اغلب ناتمام گذاشته و در رفتارشان به نوعی کمی حواس‌پرتی دارند. این ناپیوستگی در گفتار و رفتار، در کودکان و نوجوانانی که وضعیت اقتصادی ضعیف‌تری دارند بیشتر است. دلیل این امر می‌تواند این باشد که افراد این قشر مانند دیگر افراد نمی‌توانند از مزایای اجتماعی استفاده کنند؛ برای نمونه مانند دیگر افراد نمی‌توانند در مدارس خوب تحصیل کنند یا به دلیل فقر اقتصادی نمی‌توانند از مشاوره‌های روانشناسی بهره ببرند در نتیجه اعتماد به نفس کافی ندارند و در رفتار و گفتار خود بیشتر دچار ناپیوستگی می‌گردند.

۳) تأثیر وضعیت اقتصادی بر سبک تفکر جنایی کودکان و نوجوانان کار و عادی

با توجه به آمار به دست آمده اولاً وضعیت اقتصادی کودکان کار از کودکان عادی ضعیف‌تر نبوده بلکه در وضعیت بهتری نسبت به کودکان کار قرار دارند (جدول ۱۰). ثانیاً میانگین کل سبک‌های تفکر جنایی در کودکان کار ۱/۹۲ می‌باشد که این رقم در کودکان عادی بیشتر بوده و به مقدار ۰/۰۴ افزایش پیدا کرده است و به ۱/۹۶ رسیده است. این مطلب گویای این است که تفکر جنایی در کودکان کار نه تنها بیشتر نیست بلکه آنان از بینش جنایی کمتری برخوردارند. مطابق تئوری ساترلند افراد یادگیری اجتماعی دارند همان‌طور که می‌دانیم در جامعه کودکان کار در معرض دیدن انواع خشونت‌ها قرار می‌گیرند، حتی گاهی با خود این کودکان با خشونت رفتار می‌شود، اما همین‌طور که از داده‌ها پیداست در این کودکان موجب یادگیری اجتماعی نشده است و این برخلاف تئوری ساترلند است. برای نمونه در قشر ضعیف در سبک جهت‌گیری قدرت ۵۰/۴ درصد کودکان کار این سبک در آن‌ها به مقدار کم وجود دارد ولی در کودکان عادی برابر با ۶۶ درصد می‌باشد. این مسئله نشان می‌دهد که کودکان عادی میل به اعمال قدرت بیشتری دارند و این در حالی است که طبق نظریه ساترلند کودکان کار به جهت دیدن خشونت باید یادگیری بیشتری می‌داشتند.

به عنوان نتیجه گیری کلی می توان اذعان داشت با توجه به داده های به دست آمده در این پژوهش، کودکانی که در وضعیت نابسامان اقتصادی قرار دارند و از لحاظ اقتصادی در طبقه خیلی محروم قرار گرفته اند؛ این وضعیت اقتصادی در بینش آن ها تأثیر گذاشته است و سبک های تفکر جنایی دلجویی، انفصال، عدم انسجام، احساساتی بودن و جهت گیری قدرت در آن ها قوی تر گشته است. بر اساس نظریه جرم شناسی مارکسیستی اختلاف طبقاتی موجب ایجاد نوعی احساس بیگانگی در افراد می گردد. با توجه به اینکه این قشر امکانات و منابع اندکی در اختیار دارند خیلی دور از ذهن به نظر نمی رسد که کودکان و نوجوانانی که وضعیت اقتصادی خیلی ضعیفی دارند بینش جنایی در آن ها تقویت گردد. برای مثال سبک تفکر جنایی دلجویی زمانی در یک کودک تقویت می شود که خود را در معرض بی عدالتی اجتماعی ببیند و این کودکان خود را در معرض این بی عدالتی می بینند و این سبک در آن ها تقویت گشته و در کنار آن سبک جهت گیری قدرت و انفصال هم در آن ها پررنگ تر می گردد. مثبت این ادعا بالاتر بودن میانگین نمره سبک تفکر جنایی در کودکان و نوجوانان در جدول ۱ است.

بنا بر نظریه کنترل اجتماعی غیر رسمی خانواده و مدرسه نقش مهمی در جلوگیری از جرم دارند. همان طور که دیدیم در سبک تفکر استحقاق وضعیت اقتصادی تأثیری بر میزان سبک تفکر جنایی وجود نداشت. این تأیید کننده این مسئله است که نقش تربیتی خانواده در این سبک خیلی مهم تر از وضع اقتصادی خانواده می باشد. اگر خانواده ها از آزادی گذاری های افراطی پرهیزند و از ایجاد طر حواره استحقاق لوس در فرزندانشان اجتناب نمایند می توان امیدوار بود که این سبک در کودکان و نوجوانان به طور چشمگیری کاهش پیدا کند. همچنین مطابق نظریه جرم شناسی شناختی، ریشه جرم در باورها و انتظاراتی است که فرد در ذهن خود دارد. همان طور که دیدیم وضعیت اقتصادی در سبک تفکر خوش بینی افراطی تأثیرگذار نبوده است، این گفتمان از آنجا حائز اهمیت است که اگر کودک یا نوجوانی خوش بینی زیادی داشته باشد، آمادگی او برای رویارویی با مسائل و رویدادهای واقعی در زندگی کاهش پیدا کرده و به دلیل اینکه خود را باهوش تر از بقیه می پندارند ممکن است برای رسیدن به خواسته های خود به اعمال منحرفانه روی آورده و این تصور را داشته باشند که هرگز به دام نخواهند افتاد. با مطالب ذکر شده به این نتیجه می رسیم آنچه در ایجاد سبک تفکر جنایی خوش بینی افراطی تأثیرگذار است باورهای ذهنی کودک و نوجوان است نه وضعیت اقتصادی او و این مسئله تأیید کننده نظریه جرم شناسی شناختی

در این سبک می‌باشد.

در انتها پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه هر دو گروه نمونه از قشر پایین شهر انتخاب شده‌اند، در تحقیقات بعدی گروه کودکان عادی از گروه کودکان منطقه بالای شهر انتخاب شوند تا به طور دقیق تفاوت‌ها در سبک‌های تفکر جنایی آشکار گردد. همچنین می‌توان یکی از گروه‌های نمونه را از بین کودکان کاری که در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند انجام داد و نتایج را با کودکان عادی مقایسه کرد.

از محدودیت‌های این تحقیق اولاً وجود محدودیت‌های کرونایی در کشور بود که باعث شد پژوهشگر نتواند از روش نمونه‌گیری مناسب‌تری استفاده کند. دوماً عدم اعتماد کودکان کار بود که این مطلب موجب کاهش جامعه آماری شد. سومین محدودیت نیز مربوط به عدم وجود ابزار استاندارد برای جمع‌آوری داده بود که مجبور به استفاده از پرسشنامه محقق ساخته شدیم.

References

- [1] Abdi, M; Salimi, A. (2014). "Study of the relationship between criminal personality traits and criminal thinking", *Journal of Applied Disciplinary Knowledge*, 7, 79-92. (In Persian)
- [2] Azimzadeh Ardabili, F (2003). "The phenomenon of street children and strategies to deal with it", *Jurisprudence and Family Law*, 31, 101-118. (In Persian)
- [3] Andrews, D. A., & Bonta, J. (2010). *The psychology of criminal conduct*. Newark, NJ: LexisNexis
- [4] Best, D; Day, E; Campbell, A; Flynn, P. M & Simpson, D. D. (2009). (Relationship between drug treatment engagement and criminal thinking style among drug-using offenders), *European Addiction Research*, 15(2), 71-77.
- [5] Boduszek, D., & Hyland, P. (2012). (Psycho-sociological review of criminal thinking style) *Journal of Humanistics and Social Sciences*, 1(1), 28-36.
- [6] Boduszek, D., Adamson, G., Shevlin, M., Hyland, P., & Bourke, A. (2014). (The role of criminal social identity in the relationship between criminal friends and criminal thinking style within a sample of recidivistic prisoners), *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 23(1), 14-28.
- [7] Dembo, R., Turner, C. W., & Jainchill, N. (2007). (An assessment of criminal thinking among incarcerated youths in three states). *Criminal Justice and Behavior*, 34(9), 1157-1167.
- [8] Disabato, D. J., Folk, J. B., Wilson, J., Barboza, S., Daylor, J., & Tangney, J. (2015). (Psychometric validation of a simplified form of the PICTS for low-reading level populations), *Journal of psychopathology and behavioral*

- assessment, 38(3), 456-464.
- [9] Fix, R. L., & Fix, S. T. (2015). (Trait psychopathy, emotional intelligence, and criminal thinking: Predicting illegal behavior among college students). *International journal of law and psychiatry*, 42, 183-188.
- [10] Fooladian, M; Toosifar, J; Vaziri, SH. (2016). "The narrative study of working children in Mashhad", *Social Studies and Research in Iran*, 5 (3), 485-510. (In Persian)
- [11] Gonsalves, V. M., Scalora, M. J., & Huss, M. T. (2009). (Prediction of recidivism using the Psychopathy Checklist—Revised and the Psychological Inventory of Criminal Thinking Styles within a forensic sample). *Criminal Justice and Behavior*, 36(7), 741-756.
- [12] Gholamhosseinzadeh, the statistics of working children in the country is not accurate 2021, 22 June 2021). Retrieved May 4, 2022, from <http://www.hawzahnews.com>. (In Persian)
- [13] Ghomashi, S. (2014). "From etiological criminology to cognitive criminology", *Quarterly Journal of Legal Research*. 70, 247-271. (In Persian)
- [14] Grossi Farshi, M; Mahmoud Alilou, M; Esmali Koraneh, A. (2007). "Comparison of personality traits and coping styles of criminals with normal people", *Quarterly Journal of Contemporary Psychologist*, (2) 1, 24-31. (In Persian)
- [15] Howitt, D. (1995). *Paedophiles and sexual offences against children*. John Wiley & Sons
- [16] Javanmard, B. (2012). "Criminological analysis, psychology of crime in the light of criminal personality with emphasis on three criminal cases", *Kanoon Magazine*, 45, 41-48. (In Persian)
- [17] Knight, K., Garner, B. R., Simpson, D. D., Morey, J. T., & Flynn, P. M. (2006). (assessment for criminal thinking). *Crime & Delinquency*, 52(1), 159-177.
- [18] Labor Law, approved in 1323. (In Persian)
- [19] Moazami, Sh (2009) *Child and Adolescent Delinquency*, First Edition, Tehran Justice. (In Persian)
- [20] Mirhashemi M; Zarei, HA; Theoretical Sciences, Mehdi. (2017). "Predicting criminal thinking based on personal and criminal variables in criminals", *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology*, 70, 115-125. (In Persian)
- [21] Mirhashemi, M. (2017). "Comparison of criminal thinking styles between drug-dependent and non-drug-addicted criminals", *Psychological Research*. 20 (1), 52-61. (In Persian)
- [22] Mandracchia, J. T., & Morgan, R. D(2011), (Understanding criminals' thinking: Further examination of the measure of offender thinking styles—revised). *Assessment*, 18(4), 442-452.
- [23] McCoy, K., Fremouw, W., Tyner, E., Clegg, C., Johansson-Love, J., &

- Strunk, J. (2006). (Criminal-thinking styles and illegal behavior among college students: Validation of the PICTS). *Journal of forensic sciences*, 51(5), 1174-1177.
- [24] Michael L., K.; Di, M and Macarias. *Encyclopedia of Oxford Crime Prevention* (translated by J. J. Sadati). Tehran: Rate. (In Persian)
- [25] Palmer, E. J., & Hollin, C. R. (2003). (Using the psychological inventory of criminal thinking styles with English prisoners), *Legal and Criminological Psychology*, 8(2), 175-187.
- [26] Palmer, E. J., & Hollin, C. R. (2004). (Predicting reconviction using the psychological inventory of criminal thinking styles with English prisoners). *Legal and Criminological Psychology*, 9(1), 57-68.
- [27] Palmer, E. J., & Hollin, C. R. (2004). (The use of the Psychological Inventory of Criminal Thinking Styles with English young offenders) *Legal and Criminological Psychology*, 9(2), 253-263.
- [28] Shahrakht, J. S., & Ahi, Q. (2019). (Investigation of factor structure, validity and reliability of the Criminogenic Cognitions Scale in students of Birjand University of Medical Sciences). *Journal of Birjand University of Medical Sciences*, 26(1), 1150-1162.
- [29] Soto, R. D. (2007). (*Criminogenic personality and behavioral characteristics in substance abusers: An examination of the lifestyle model of substance abuse*) The University of Nebraska-Lincoln.
- [30] Samiei, N, The increase of working children due to economic problems. (1398, 25 Aban 1398). Retrieved July 8, 1400, from <https://www.borna.news>(In Persian).
- [31] Suri, A; Daneshmand, Zahra. (2017). "Rational beliefs of criminals towards ordinary people", *Scientific Quarterly of Intelligence and Criminal Research*, (48) 12, 99-122. (In Persian)
- [32] Sadeghi Shahrokht, J; Ahi, Gh. (2015). "Study of factor structure, validity and validity of the questionnaire of criminal identities in students of Birjand University of Medical Sciences", *Scientific Journal of Birjand University of Medical Sciences*. (26) 1, 83-94. (In Persian)
- [33] Sykes, G. M., & Matza, D. (1957). (Techniques of neutralization: A theory of delinquency). *American sociological review*, 22(6), 664-670.
- [34] Tasnim News. (2020, 23 August 2020). Retrieved October 17, 2016, from <https://www.tasnimnews.com>. (In Persian)
- [35] Tulayi, H; Rafiei, H; Biglerian, A. (2009). "The Relationship between Child Labor and Development and Social Welfare", *Social Welfare Quarterly*, 35, 301-336. (In Persian)
- [36] White, R; Hines, F. *Criminology and criminology* (translated by A. Salimi). Qom: Research Institute and University. (In Persian)
- [37] Walters, G. D. (1990). (Incremental validity of the Psychological Inventory of

- Criminal Thinking Styles as a predictor of continuous and dichotomous measures of recidivism). *Assessment*, 12(1), 19-27.
- [38] Walters, G. D. (1995). (The psychological inventory of criminal thinking styles: Part I: Reliability and preliminary validity). *Criminal Justice and Behavior*, 22(3), 307-325.
- [39] Walters, G. D. (1995). The psychological inventory of criminal thinking styles: Part II: Identifying simulated response sets. *Criminal Justice and Behavior*, 22(4), 437-445.
- [40] Walters, G. D. (1996). The psychological inventory of criminal thinking styles: Part III. Predictive validity). *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 40(2), 105-112.
- [41] Walters, G. D. (2002). (Current and historical content scales for the Psychological Inventory of Criminal Thinking Styles (PICTS)), *Legal and Criminological Psychology*, 7(1), 73-86.
- [42] Walters, G. D. (2002). (The psychological inventory of criminal thinking styles (PICTS) A review and meta-analysis). *Assessment*, 9(3), 278-291.
- [43] Walters, G. D. (2003). (Changes in criminal thinking and identity in novice and experienced inmates: Prisonization revisited). *Criminal Justice and Behavior*, 30(4), 399-421.
- [44] Walters, G. D. (2006). (Proactive and reactive composite scales for the Psychological Inventory of Criminal Thinking Styles (PICTS)). *Journal of Offender Rehabilitation*, 42(4), 23-36.
- [45] Walters, G. D. (2013). (Criminal thinking and recidivism: Meta-analytic evidence on the predictive and incremental validity of the Psychological Inventory of Criminal Thinking Styles (PICTS)), *Aggression and Violent Behavior*, 17(3), 272-278.
- [46] Walters, G. D., & Geyer, M. D. (2004). (Construct validity of the Psychological Inventory of Criminal Thinking Styles in relationship to the PAI, disciplinary adjustment, and program completion), *Journal of personality assessment*, 84(3), 252-260.
- [47] Walters, G. D., & Geyer, M. D. (2004). (Criminal thinking and identity in male white-collar offenders). *Criminal Justice and Behavior*, 31(3), 263-281.
- [48] Walters, G. D., & Schlauch, C. (2008). (The psychological inventory of criminal thinking styles and level of service inventory-revised: Screening version as predictors of official and self-reported disciplinary infractions), *Law and Human Behavior*, 32(5), 454-462.
- [49] Walters, G. D., & White, T. W. (1989). (Therapeutic interventions with the lifestyle criminal). *Journal of Offender Counseling Services Rehabilitation*, 14(1), 159-169.
- [50] Williams, M. M., Rogers, R., & Hartigan, S. E. (2020). (The Validity of the PICTS-SV and Its Effectiveness with Positive Impression Management: An Investigation in a Court-Mandated Substance Use Treatment Facility),

- Criminal Justice and Behavior, 47(1), 80-98.
- [51] Wilson, A. B., Farkas, K., Ishler, K. J., Gearhart, M., Morgan, R., & Ashe, M. (2014). (Criminal thinking styles among people with serious mental illness in jail), *Law and Human Behavior*, 38(6), 592.
- [52] Yochelson, S., & Samenow, S. E. (1976). *The criminal personality: Vol. 1. A profile for change* New York, NY: Jason Aronson

